

بخش قابل توجهی از مشکلات اقتصادی نیز در کوتاه مدت حل خواهد شد. سیاست خارجی کشور نباید یک امر مقدس و غیرقابل تغییر تلقی شود. مثال ترکیه و اردوغان را نگاه کنید؛ او سیاست خارجی خود را متناسب با شرایط بین المللی تغییر می دهد تا بیشترین نفع را برای ترکیه خلق کند. این موضوع، چیزی است که امروز در ایران باید از مقامات مطالبه شود.

آیا با توجه به وابستگی شدید مردم به یارانه ها، امکان حذف آنها وجود دارد؟ خیر، در شرایط فعلی هیچ دولتی نمی تواند سیاست حذف کامل یارانه ها را عملی کند. مردم، به دلیل تورم های شدید و فشار اقتصادی، بشدت به این یارانه ها وابسته شده اند. اما چیزی که می توان و باید انجام شود، «اصلاح سیاستی» است. اولین اقدام این است که یارانه ها به صورت تدریجی تغییر ساختار بدهند و هدفمند شوند. به این معنا که صرفاً به دهک های پایین تعلق گیرند و در عین حال توسعه تولید، اشتغال زایی، و توانمندسازی هدف اصلی سیاست ها قرار گیرد. متأسفانه امروز کار به جایی رسیده که بسیاری از مردم به ما می گویند: اگر برای فرزندان ما شغل ایجاد کنید، ما اصلاً یارانه نمی خواهیم. وقتی مردم این حرف را می زنند، باید متوجه شویم که شاخص توانمندی در کشور تا چه اندازه تضعیف شده است. یکی از دلایل اصلی این مسئله همین سیاست های اشتباه بوده است که ما را به سمت شکل گیری جامعه ای وابسته سوق داده است، نه یک جامعه توانمند.

شما به شاخص توانمندی اشاره کردید. چگونه می توان این شاخص را در جامعه گسترش داد و توانمندسازی را در ایران محقق کرد؟ توانمندسازی، ابعاد مختلفی دارد. یکی از اصلی ترین بخش های آن قابلیت های فردی و محیطی است. در قابلیت های فردی، عواملی مانند درآمد، سلامت، مهارت، آموزش و تجربه نقش دارند. اما در قابلیت های محیطی، برابری فرصت ها بسیار مهم است. مردم باید به فرصت های برابر دسترسی داشته باشند و دولت نیز باید پاسخگو باشد. تا زمانی که دولت ها پاسخگو نباشند و بهره وری محیطی پایین باشد، افراد دچار فقر و محرومیت می شوند. یکی از راه حل های ریشه ای در این زمینه، اصلاح نظام آموزشی است. نظام آموزشی ما نیازمند تحول اساسی است. آموزش عالی باید بر بهبود مهارت ها متمرکز باشد، نه اینکه تنها به جذب گسترده دانشجو در مقاطع تحصیلات تکمیلی بپردازد.



### تورم بزرگ ترین فشار روانی و اقتصادی را بر مردم ایران وارد کرده است. در شرایطی که نرخ رسمی تورم بالاتر از ۴۰ درصد است و این وضعیت بیش از یک دهه ادامه داشته، طبیعتاً مردم زیر بار هزینه های روزانه خرد می شوند. اولین وظیفه دولت، کنترل تورم است

در کشورهای پیشرفته ای مثل آلمان و انگلستان، تنها زیر ۲۰ درصد از فارغ التحصیلان دبیرستان به دانشگاه می روند و اکثراً وارد سیستم های مهارت آموزی و فنی و حرفه ای می شوند. در حالی که در ایران، ما نه تنها دانشگاه ها را پر از دانشجو کرده ایم، بلکه بیش از ۶۰ درصد دانشجویان را به خانم ها اختصاص داده ایم. این در حالی است که نرخ مشارکت اقتصادی زنان در ایران حدود ۱۳ درصد است. این سیستم نه تنها با نیازهای کشور تطابق ندارد، بلکه منابع انسانی را نیز هدر داده و توانمندی های واقعی جامعه را تضعیف کرده است. اگر به مهارت آموزی، برابری فرصت ها و پاسخگویی دولت توجه کنیم، می توان شاخص توانمندی را بهبود بخشید.

در صحبت های پتان اشاره کردید که تورم اصلی ترین مشکل اقتصادی کشور است. چگونه می توان تورم را کنترل کرد و فشار اقتصادی را کاهش داد؟ تورم بزرگ ترین فشار روانی و اقتصادی را بر مردم ایران وارد کرده است. در شرایطی که نرخ رسمی تورم بالاتر از ۴۰ درصد است و این وضعیت بیش از یک دهه ادامه داشته، طبیعتاً مردم زیر بار هزینه های روزانه خرد می شوند. اولین وظیفه دولت، کنترل تورم است. اگر حاکمیت تنها یک سیاست کلیدی را دنبال کند، باید همین باشد. تورم، به گفته اقتصاددان معروف، میلتن فریدمن، چیزی جز خطای دولت ها نیست و هیچ منبع دیگری نمی توان برای آن متصور بود. دولت ها باید هزینه های مازاد خود را متوقف کنند و نظمی در بودجه ریزی و اقتصاد کلان کشور برقرار کنند. مردم ایران همین حالا نیز چیزی جز این از دولت نمی خواهند. کنترل تورم باعث می شود که حداقل دستمزد و افزایش سالانه حقوق ها، این فشار بزرگ را کاهش داده و نیازی به سیاست های لحظه ای و جبری برای افزایش درآمدها نباشد.

### مهاجرت نخبگان یکی از آسیب های بزرگ کشور است. نظر شما درباره این پدیده و تأثیرات آن چیست؟

مهاجرت نخبگان، برای کشور مثل ایران که منابع غنی انسانی دارد، یک فاجعه است. جامعه ای که نخبگان و برترین افرادش را از دست می دهد، به طور طبیعی سطح عملکرد، کیک اقتصادی، و بهره وری اش کاهش پیدا می کند. در نظام آموزشی ما، از هر ۱۰۰ هزار نفر یک نخبه برجسته بیرون می آید، فردی که می تواند نقش تعیین کننده ای در رشد اقتصادی و اجتماعی کشور ایفا کند. وقتی این افراد از کشور می روند، نه تنها فرصت های داخلی را از دست می دهند، بلکه سرمایه هایی که طی سال ها در اینجا صرف آنها شده نیز از دست می رود. برای درک عظمت این فاجعه کافی است نگاهی به کشورهای توسعه یافته مثل آمریکا یا آلمان بیندازید. افراد بزرگی مثل ایلان ماسک یا بیل گیتس، با خلق شغل و ثروت، تغییرات بنیادین ایجاد کرده اند. اگر رأس هرم جامعه، به واسطه مهاجرت تهی شود، این ظرفیت ها ایجاد نخواهد شد. یکی از مواردی که تفاوت ایران را با کشورهای مثل ترکیه یا هند در مهاجرت پذیری نشان می دهد، این است که کشورهای دیگر موفق شده اند جریان مهاجرتی را به کشور خود بازگردانند یا حداقل منافع مالی و ثروت به کشور اصلی بازگردد. ما همین آورده مهاجران را هم نداریم.

یکی دیگر از مشکلات مهم، بحران صندوق های بازنشستگی است. شما تجربه حضور کوتاه مدتی در سازمان بازنشستگی کشوری داشتید. از دیدگاه شما دلایل این بحران و مسیر اصلاح آن چیست؟ دلایل بحران صندوق های بازنشستگی متعدد است: مهم ترین عامل، حکمرانی دولتی و فساد گسترده در این صندوق هاست. از سوی دیگر، ساختارهای تصمیم گیری اشتباه در حوزه بازنشستگی، باعث ایجاد تعهدات غیرقابل اجرا شده است. ساختار جمعیتی کشور نیز بر این مشکلات افزوده است؛ تعداد جمعیت فعال کشور رو به کاهش است، در حالی که جمعیت بازنشسته افزایش می یابد. راه حل، اصلاح حکمرانی در این صندوق ها و ایجاد استقلال تصمیم گیری است. از سوی دیگر، باید سیاست های اشتغال زایی مولد به عنوان مهم ترین سیاست در دستور کار قرار گیرد. تا زمانی که نسبت پشتیبانی (تعداد شاغلان فعال در برابر مستمیری بگیران) به تعادل نرسد، بحران ادامه دار خواهد بود.